

هزار سال تمدن اسلام

در ۱۹ هزار متر مربع



ناونیا حیدر

مدیر بخش اسلامی متروپولیتن

■ نیویورک بعد از سال‌ها انتظار شاهد افتتاح بخش اسلامی موزه متروپولیتن بود. طی چند هفته‌ای که از افتتاح بخش اسلامی موزه متروپولیتن می‌گذرد، این نقطه از موزه ده‌ها هزار بازدیدکننده را به خود دیده و شمار بازدیدکنندگان هر روز بیشتر از قبل است. این بخش ۱۵ گالری را با مساحت حدود ۱۹ هزار متر مکعب دربر می‌گیرد که این مساحت نسبت به گذشته بیش از ۲۰درصد افزایش یافته. از فرش‌های نفیس ایرانی و نسخه‌های عتیقه قرآن گرفته تا سفال و نقره و سازه‌های دستی دیگر در این گالری‌ها به نمایش گذاشته شده‌اند. در مجموع، این بخش از موزه متروپولیتسن نیویورک حدود هزار و ۲۰۰ اثر هنری دارد که یک هزار سال از تمدن و جهانگشایی ملت‌های مسلمان را دربرمی‌گیرد. بنابراین بازدیدکنندگان این موزه می‌توانند از سالن‌های سرشار از شاهکارهای هنری که هر کدام از آنها انعکاس‌دهنده تنوع فرهنگ اسلامی، تلافی اندیشه‌ها و شیوه‌های هنری مختلف است، بازدید کنند.

از میان آشیایی که در دیدارهای اختصاصی قبل از بازگشایی این قسمت توجه فراوانی به خود جلب کردند، یکی محراب نماز متعلق به قرن چهاردهم میلادی از ایران بود که ارتفاع آن حدود چهار متر است و دیگری «تاق دمشقی» که تمام تزئینات و مبلمان یک دیوان طبقات اشراف سوریه در قرن هجدهم میلادی را در خود جای داده است. از دیگر آثار مهم این مجموعه می‌توانم به چراغ‌های منبت‌کاری‌شده مسجد که روکشی از طلا دارند، اشاره کنم که در اوایل قرن چهاردهم در مصر و سوریه ساخته شده‌اند و روی این چراغ‌ها خطاطی‌های بسیار ظریف و زیبایی وجود دارد. اغلب روی چراغ‌های مسجد، آیه ۲۵ سوره نور با خط خوش نوشته می‌شود. که با نور این چراغ‌ها هم‌خوانی دارد و به این‌ترتیب بر وجود نورانی خداوند تاکید می‌شود. هر چراغ روی یک بشقاب کوچک قرار گرفته است که محتوی روغن، آب و یک فتیله شناور است و با زنجیرهای فلزی بلند از سقف آویزان می‌شود. بخش اعظم آشیایی که در این گالری‌های جدید به نمایش گذاشته شده‌اند، قبلاً در معرض دید بازدیدکنندگان گالری هنر اسلامی قرار نداشت. نمونه آن یک طاق باغ‌های



سنتی مراکشی است و دیگری حوض و فواره‌ای که استادان صنایع‌دستی مراکش آن را به طور ویژه برای این موزه طراحی کرده و ساخته‌اند.

هنر دوران تمدن اسلامی به تمام جهان تعلق دارد و این تنوع را می‌توان در شناسنامه‌هایی که این مرکز برای سلسله‌ها و مناطق مختلف از قلمرو و دوره‌های گوناگون تمدن اسلامی تهیه کرده است، به خوبی دید. برخی از آنها عبارتند از ساسانیان، امویان، غزنویان، فاطمیان و زنگیان و مملوکان.

بخش هنر اسلامی موزه متروپولیتن نیویورک اولین‌بار در سال ۱۹۷۵ افتتاح شد و در گردآوری اشیاء و نمایش آثار رویکردی تک‌بعدی داشت و بر عنصر اسلامی بودن عناصر فرهنگی این تمدن متنوع تاکید می‌کرد؛ در حالی که در دوران جدید و با افتتاح گالری‌های آن، دیگر عنوان «هنر اسلامی» را بر خود ندارد. در این مجموعه جدید سعی شده است هنر ممالک و دوره‌های مختلف شناساده شده توسط تأثیر تمدن و فرهنگ‌های دیگر بر آنچه به طور کلی «هنر اسلامی» معرفی می‌شود، به نمایش گذاشته شود. به عنوان مثال به همان شکلی که هنر و تمدن اسلامی فرهنگ شبیه‌قاره هند را تحت تأثیر قرار داده فرهنگ و هنر مناطقی مثل سوریه یا لبنان نیز از هنر همسایگان مسیحی خود تأثیر گرفته‌اند. یکی از اهداف اصلی در گسترش و نوسازی بخش مربوط به فرهنگ و تمدن‌های اسلامی نشان دادن این واقعیت است که فرهنگ و تاریخ آن سرزمین‌ها چیزی متفاوت از کلیشه‌هایی است که بعد از یازدهم سپتامبر در مورد اسلام رواج پیدا کرده است.

من خود به واسطه نوع زندگی‌ام، مواردی را که در بالا شرح دادم، از نزدیک لمس کردم.م در شهر دهلی هند از یک پدر مسلمان و یک مادر هندو زاده شدم و با یک مسیحی لبنانی‌تبار ازدواج کردم. بخشی از اعضای خانواده دور من از میان زرتشتیان ایرانی‌تبار ساکن شبه‌قاره هند هستند. زندگی شخصی من مملو از ترکیب بسیار متنوعی از ادیان و اقوام است. شاید این نمونه‌ای باشد از دوران جهانی شدن تمدن‌ها که به سوی آن در حرکت هستیم. در این نمایشگاه جدید نیز ما سعی کرده‌ایم تمام این نقاط تماس و گفت‌وگو بین اقوام و جوامع گوناگون را نشان دهیم و بنابراین به بیان دیدگاه‌های متنوعی کمک کنیم.

روایت «محمد احصایی» از افتتاح بخش اسلامی موزه «متروپولیتن» نیویورک:

اجحافی به هنر ایران نشده است

پرویز براتی



عکس: میلاد پنهانی، شرق

دو ماه از افتتاح بخش اسلامی موزه متروپولیتن نیویورک می‌گذرد. در این مدت، نگاه هنرمندان داخل به این رویداد ابعاد مختلفی داشته است. در همان زمان افتتاح، محمود فرشچیان در نامه‌ای اعتراضی به مدیر متروپولیتن قرار گرفتن نام ایران را بعد از کشورهای عربی، بر خورودی سیاسی با هنر ایران در عرصه بین‌المللی ارزیابی کرد، حتی محمود شالویی، رییس مرکز هنرهای تجسمی، این انتقاد را به شکلی رسمی دنبال کرد و در نامه‌ای به رییس این موزه از آنچه «عدم حفظ تقدم نام ایران در تبه‌بندی نام کشورهای صاحب اثر در نمایشگاه و کارت‌ها و بروشور و کاتالوگ» می‌نامید، انتقاد کرد. با این حال نگاه برخی هنرمندان و کارشناسان به مساله به شکل دیگری است. محمد احصایی که همچون فرشچیان در این افتتاحیه حضور داشته، معتقد است نرفته‌اند در جریان بازگشایی بخش اسلامی این موزه، «جایگاه هنر ایران» کاملاً حفظ شده، بلکه اصلاً هنر ایران از سال‌ها قبل جایگاهی قابل احترام در این موزه و سایر موزه‌های ممتاز دنیا داشته است.
باین هنرمند که هم‌ایک برای به پایان رساندن کتابت قرآن مجید در ونگورر کاتادا به سر می‌رد، گفت:گویی ترتیب داده‌ام که هم روایت هنرمند رکورددار و تحسین‌شده ایرانی از بازگشایی بخش اسلامی موزه متروپولیتن نیویورک است و هم بازگویی آخرین وضعیت پروژه عظیم کتابت قرآن به خط «مُحَقَّق».

است. اتاق سبزپوشان دوباره از روی تصاویر جنگی پیدا شده در کلاوش‌ها، در موزه متروپولیتن بازسازی شده. البته امیدوارم به زودی آثار مدرن و معاصر اسلام هم به گنجینه این موزه اضافه شود. در آن صورت دیگر این موزه چیزی کم نخواهد داشت.

■ گویا بعد از حضور در نیویورک، سفری هم به پاریس داشتید. در حراج اورتینالیست‌های (شرق‌گرایان) کریستین پاریس شاهد درخشش شما بودیم، نتایج این حراج را چطور ارزیابی می‌کنید؟

چند اثر از مجموعه «ذکر تصویری الله» من، از مجراهای مختلف و توسط مجموعه‌داران مختلف اراه شده بود که من تمایل به ارایه آنها نداشتم و نهایتاً یکی از آنها در حراج عرضه شد و خوشبختانه به دلایلی که جای گفتن آن در اینجا نیست، این اثر به فروش نرفت. اما آثار دیگرم از جمله تابلوی «عشق» ۱۲۵ هزار دلار فروش رفت که فکر می‌کنم فروش خوبی بود. در کل باید بگویم حراج خوبی بود. همان‌طور

عکس‌های شبانه‌ای از ایران به همت نشریه سرزمین من

عکاسی در تاریکی

محمدحسین توکلی

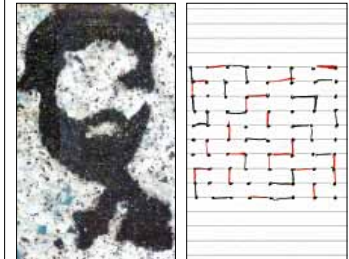
این نشریه و همچنین در معرفی انواع جدیدی از عکاسی مطبوعاتی بود. «سرزمین من» برای اولین بار نگاه و جایگاه دیگری به عکاسی طبیعت در ایران داد و اگر در این زمینه نقش اصلی را ایفا هم نکرد اما به اندازه خود نقش مهمی ایفا کرد. اگر تا قبل آن عکاسی از ایران، به عکاسی از بناهای باستانی و همچنین حیات وحش که بیشتر با محوریت شکار بودند، خلاصه می‌شد. امروزه در این مجله خوش آب‌ورنگ عکس‌ها حال‌وهوای دیگری به خود گرفته‌اند و هر کدام مختاری اعتقاد دارد در کنار بناهای باستانی که میراث این مرز و بوم هستند، ایران یک درایی بزرگ هم دارد، اگر در مکانی زیبا بنایی ساخته شده که جزو



به مناسبت نمایشگاه دونفره غزاله هدایت و ترانه همایی این آخر بازی نیست

سیمین دهقانی

■ «دست آخر» یا «آخر بازی» (Endgame) اصطلاحی است معمولانه و اشارت‌آمیز که می‌تواند محل الهام باشد. شاید از همین روست که بیشتر نام نمایشی بدیع و پیشرو، پس از آن اسم شعری حماسی و اکنون عنوان نمایشگاه تأثیرگذار غزاله هدایت و ترانه همایی هنرمند مقیم خارج از کشور است. آخر بازی یعنی مراحل و صحنه‌های پایانی یک بازی علی‌الخصوص شطرنج. هنگامی که هر دو طرف اکثر مهره‌هایشان را از دست داده‌اند و نتیجه عن قریب مشخص می‌شود. اما، این هنوز پایان نهایی بازی نیست و نتیجه هنوز معلوم نشده است. این از دست دادن مهره‌ها یا بازیکنان یا به بیان دقیق‌تر نابودی موضوع‌محوری یا درنهمیه را می‌توان مخرج مشترک کارهای هدایت و همایی در نظر گرفت. آثار آرایه شده در این نمایشگاه در گالری طراحان آزاد، عطف به همین مفهوم‌پردازی و به‌واسطه نوعی دیالوگ میان دو هنرمند خلق شده‌اند. با نگاه کردن به تکتک آثار بی‌درنگ آشکار خواهد شد که هر دو آنها از این فرآیند حذف و نابود شده‌اند و به‌منظور جلب و برانگیختن توجه و کنجکاوی به چیزی گسترده‌تر از آن چیزی که با آن شروع کرده‌اند، استفاده نهموده‌اند. همایی که فارغ‌التحصیل کالج هنرهای کالیفرنیاست کارش را به عنوان هنرمند در ۱۹۹۱ در سانفرانسیسکو آغاز می‌کند. آثار او در برخی از مهم‌ترین مجموعه‌های جهان از جمله موزه بریتانیا و موزه ویکتوریا و آلبرت نگهداری می‌شوند. همچون اکثر هنرمندان ایرانی که زندگی‌شان تحت‌الشعاع انقلاب، جنگ و مهاجرت بوده است کارهای وی عمدتاً با شهادت، قهرمانان و هویت سروکار دارد. همایی تصدیق می‌کند «که تلاش برای کشف آنچه من در ایران می‌خواستم نشان دهم به خودی خود شبیه یک بازی بود و به چالشی قابل توجه می‌مانست.» در این نمایشگاه او سه اثر را به نمایش می‌گذارد که در دو تایی آنها می‌توان پیوندی مستقیم با آثار قبلی‌اش مشاهده کرد، یعنی در دو مجموعه در حال تکمیل و پیشرفت «گمنمان یک» و «گمنمان دو». در «گمنمان یک» به منظور شکل دادن به خطوط چهره و طرح صورت مردان، خرده شیشه‌ها و آینه‌های شفاف و تیره، روی سطوحی صاف ریخته شده‌اند. این چهره‌ها با کنار هم قرار گرفتن در گروهی هشت تایی، یادآور مهرهای پیاده روی صفحه شطرنج هستند. سبزی «گمنمان دو» نیز شامل مجموعه‌ای از چهره‌هاست- این بار هم مردان و هم زنان- که روی کاغذ نقره‌ای رنگ و در تابلوهایی ۳۰ در ۳۰ سانتی‌متری به‌طور دیجیتال چاپ شده‌اند. هر دو مجموعه چهره‌های افرادی را به تصویر می‌کشد که در اینترنت یافت شده‌اند



- این کاری است که همایی همواره انجام می‌دهد- و خصوصیات و علام مشخصه آنها به حداقل کاشی یافته است و حتی گاهی کاملاً محو شده و رنگ باخته‌اند، که در نتیجه به طرح یا خطوطی بدل شده‌اند که معرف و بازمانی هویت‌های کلی یا جهان‌شمول‌اند. کار سوم او تحت‌عنوان «همما» جیسمهای دیواری است، ساخته‌شده از موم که به جدول کلمات شباهت دارد. همایی همچون یک طرح جدول با استفاده از کلماتی که در روزنامه‌های داخلی ایران یافته است، به این قطعه هنری شکل داده است. «برادران قاچاقچی»، «بیاجه‌خاری»، «لباس‌های مارک‌دار» و «آخر بازی» تنها چهار کلمه از بیش از ۵۰ کلمه‌ای است که در این جدول جای گرفته‌اند. این است که در نگاه نخست نامربوط به هم به‌نظر می‌رسند، اما پس از پیدا کردن کلمات بیشتر تصویری تکران‌کننده از جامعه را نقاشی می‌کند. در عکس‌های هدایت این مفهوم از ترسیم بازی وضوح بیشتری دارد. کارهای او که مستقیماً مبتنی بر سرگرمی‌های آشنای کودکانی همچون مار و پله، نقطه‌بازی و سنگ-کاغذ-چیچی‌اند در وهله نخست باز به نظر می‌رسند، اما نظرات با کمی دقت بیشتر درخواهند یافت که جایی از کار ابر دارد. در تمام این کارها با نسخه‌ای تلخ‌تر از بازی‌های مذکور مواجه هستیم؛ نسخه‌ای که در آن هیچ سناریوی احتمالی برای برد وجود ندارد؛ یک طناب بریده و معلق که با آن به هیچ جا نمی‌توان رسید، جفتی از قیچی‌های شکسته، سنگی که کاغذی پاره آن را دربر گرفته و خانه‌هایی که نقطه‌ها آنها را به هم وصل نکرده‌اند. در این نمایشگاه آثاری که به بازی‌های کاغذی مربوطند با مجموعه قبلی هدایت، یعنی «آیین نگارش»، پیوند بیشتری دارند. هدایت در مجموعه «آیین نگارش» از مندا، مداد تراش و پاک کن عکاسی کرده است. به‌رغم پاک شدن نوشته‌ها درشان هنوز باقی مانده است. آنجا این ردهای مداد، با برانگیختن کنجکاوی بازدیدکنندگان برای کشف و یافتن نوشتار از طریق غیاب آن، در مرز مری و نامریی بودن، ترس انکار و از دست دادن را نشان داده و فاش می‌کند. به این ترتیب بازدیدکنندگان آثار او ترغیب می‌شوند تا اطلاعات آرایه شده را با کلیدها و سرنخ‌های اندکی که به آنها داده شده بود، تکمیل کنند. در همه آثار هدایت حسی از نوستالژی احساس می‌شود؛ بازی‌های کودکی‌ای که اکنون بازی‌های کامپیوتری جایشان را گرفته‌اند.

این نمایشگاه محصول نگاهی جالب توجه به بازی متقابل میان دو هنرمند است که در دو سوی کره خاکی زندگی و کار می‌کنند. دونیم نمایشگاه «سرزمین من» این بار در فضایی کوچک‌تر و به فاصله کوتاهی نسبت به نمایشگاه پیشین در کافه عکس برگزار شد.